

# سیمین دانشور

## در آینه‌ی آثارش

سیمین پناهی‌فرد

سیمین

# Simin Daneshvar

as Reflected in Her Stories

Simin Panahifard

کتاب حاضر، تحلیلی است چند سویه از آثار سیمین دانشور به منظور شناساندن هر چه بیشتر اندیشه‌ها و عقاید او به عنوان نخستین بانوی داستان‌نویس ایران، او که همچون شهرزاد قصه‌گو با کلامی سرشار از عشق و امید خواننده را به ژرفای زندگی می‌برد. آنچا که می‌گوید: «چندین نسل پس از تو تمام ملل جهان با هم آشی خواهند کرد و میراث مشترک الهی این است که آدمی را به آدمی و آدمیان را به خدا پیوند دهد و عشق به گوته‌ای نو و هدایتگر کائنات به پیروزی دست یابد و برادری، برابری و آزادی انسان‌ها در پناه پدری خدای یگانه راه نجات آن‌هاست، به شرطی که انسان‌ها ایشار را بیاموزند؛ زیرا حرص و آز، قدرت طلبی و اندوختن مال و منال از راه استثمار کوتاه آستینان موجب بدیختی انسان‌هاست.»



# سینمین دانشور

## در آیینه‌ی آثارش

میر علی سینمین پناهی

نشر سینمیر

۱۳۹۰

سرشناسه	: سیمین پناهی‌فرد، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآورنده	: سیمین دنشور در آیینه‌ی آثارش / مؤلف: سیمین پناهی‌فرد
مشخصات نشر	: تهرن، نشر سمير ۱۳۸۹
مشخصات ظاهري	: ۴۰۰ ص.
شابک	: ۹۷۸_۹۶۴_۲۲۰_۰۸۷_۰
وضعيت فهرست‌نويسى	: فیبا
موضوع	: دنشور، سیمین، ۱۳۰۰ - نقد و تفسیر
موضوع	: دستان‌های کوتاه فارسي - قرن ۱۴ - تاریخ و نقد
شناسه افزوده	: دستان‌های فارسي - قرن ۱۴ - تاریخ و نقد
ردیبندی کنگره	: PIR ۸۰۴۱/۹ ای ۸۳ ۱۳۸۹
ردیبندی دیوبی	: ۸۰۴۱/۶۲۰۹
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۲۱۱۴۸۴۴



## سیمین دنشور در آیینه‌ی آثارش

مؤلف: سیمین پناهی‌فرد

صفحه‌آرا: حامد اژکان

طراح جلد: ابوالفضل فضلی‌خانی

حروفچین: ندا سهرابی

نوبت و تاریخ چاپ: اول - ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

ناشر: انتشارات سمير

چاپ: سازمان چاپ و انتشارات

شابک: ۹۷۸\_۰\_۸۷\_۰\_۲۲۰\_۹۶۴

بهای: ۱۲۰/۰۰۰ ریال

همهی حقوق محفوظ است. ©

Printed in Iran.

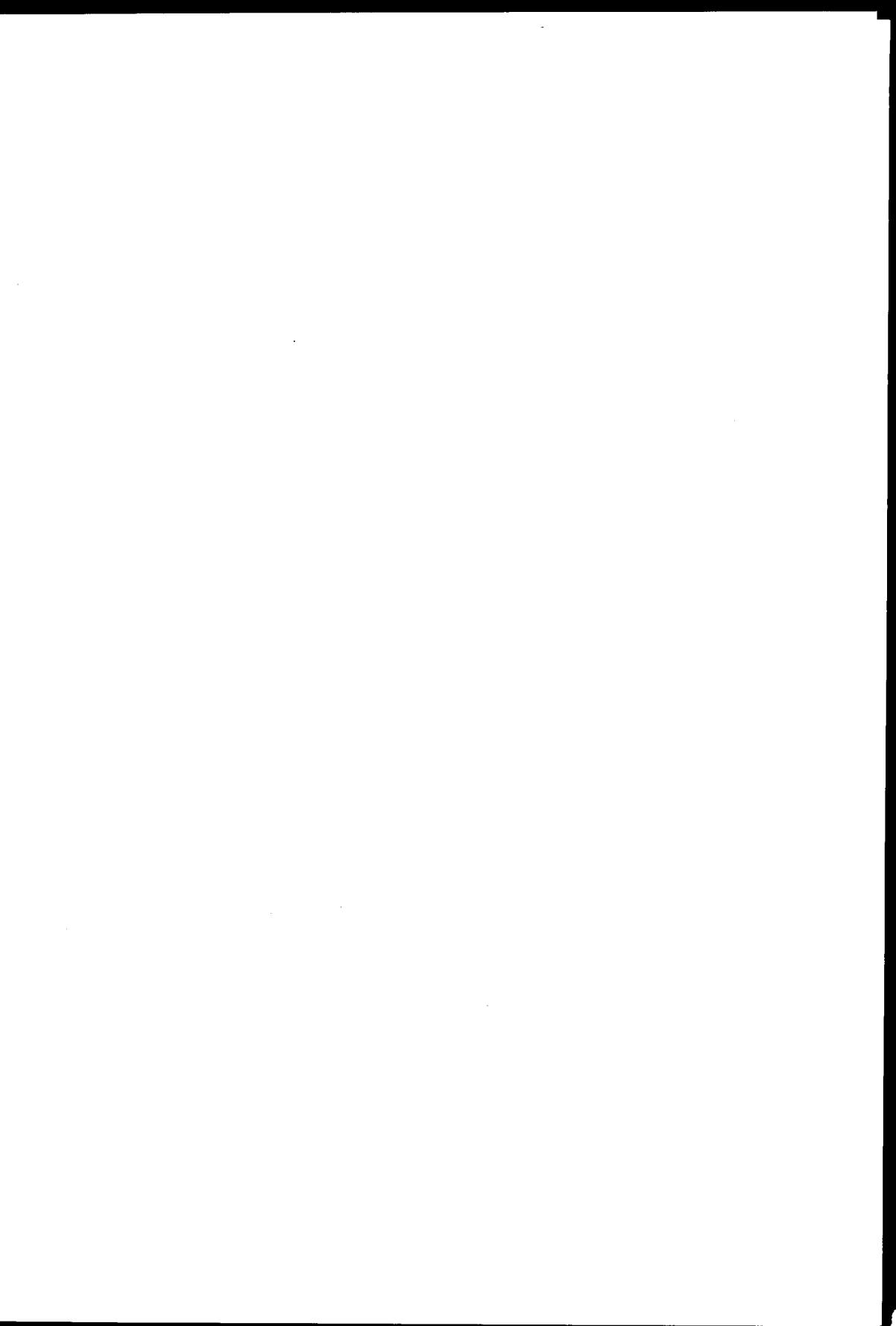
نشانی ناشر: تهران، میدان انقلاب، خیابان وحید، پلاک ۴، طبقه چهارم، انتشارات سمير

تلفن: ۶۶۴۱۳۷۲۶



بانوی قصه‌ها و غصه‌ها که روایت کر

رنخنامه‌ی زن ایرانی است.



## فهرست مطالب

۱۷.....	سخن آغازین
۱۹.....	مقدمه

### فصل اول: سیمین دانشور از گذشته تا امروز

۲۷ .....	گفتار اول: جلوه‌هایی از زندگی سیمین دانشور
۲۹ .....	۱- فعالیت‌های شغلی و هنری
۳۰ .....	۲- کسب عنوان نخستین زن نویسنده‌ی ایرانی
۳۲ .....	۳- اشتیاق به نویسنده‌گی
۳۳ .....	۴- تأثیر دوران کودکی

۳۷ .....	گفتار دوم: غم‌ها و شادی‌ها در زندگی سیمین دانشور
۳۷ .....	۱- آشنایی و ازدواج با جلال آل احمد
۴۰ .....	۲- تحمل مصائب روزگار

۴۲	۲-۳. زندگی و تبادل افکار سیمین و جلال
۴۳	۲-۴. زندگی بی‌حاشیه‌ی سیمین و جلال
۴۶	۵-۲. زندگی پس از مرگ جلال آل احمد
۴۷	۶-۲. اندیشه‌ها و دیدگاه سیاسی
۵۱	<b>گفتار سوم: کارنامه‌ی قلمی سیمین دانشور</b>
۵۱	۱-۳. مجموعه داستان‌های کوتاه
۵۴	۲-۳. رمان‌ها
۵۵	۳-۳. خاطرات و تحقیقات
۵۶	۴-۳. ترجمه‌ها
۵۷	۵-۳. مقاله‌ها
۵۷	۶-۳. آثار منتشرنشده
۵۷	۷-۳. نخستین اثر منتشرشده

## فصل دوم: جایگاه سیمین دانشور در ادبیات معاصر ایران

۶۱	<b>گفتار اول: دوره‌های ادبیات معاصر ایران</b>
۶۱	۱-۱. نخستین دوره‌ی ادبیات معاصر ایران
۶۲	۲-۱. داستان‌نویسی در دوره‌ی اول
۶۳	۳-۱. دوره‌ی دوم ادبیات معاصر ایران
۶۴	۴-۱. داستان‌نویسی در دوره‌ی دوم
۶۵	۵-۱. دوره‌ی سوم ادبیات معاصر ایران
۶۶	۶-۱. داستان‌نویسی در دوره‌ی سوم
۶۸	۷-۱. دوره‌ی چهارم ادبیات معاصر ایران
۷۰	۸-۱. داستان‌نویسی در دوره‌ی چهارم

گفتار دوم: زنان و نویسنده‌گی	73
۲-۱. ظهور زنان داستان‌نویس و درخشش بانو دانشور	73
۲-۲. رواج رمان اجتماعی و محتواه آن	74
۲-۳. تحلیلی کوتاه از سووشون به عنوان رمان موفق این دوره	76
گفتار سوم: نقد سیاسی - اجتماعی سووشون	79
۳-۱. وضعیت ایران در جنگ جهانی دوم و بازتاب آن در سووشون	79
۳-۲. سووشون در نظر بزرگان ادب فارسی	81

### فصل سوم: کاربرد عناصر داستانی در آثار سیمین دانشور

گفتار اول: درونمایه و حقیقت مانندی	87
عناصر داستان	87
۱-۱. مضمون و درونمایه	88
۱-۲. حقیقت مانندی یا معیار سنجش داستان	89
۱-۳. حقیقت مانندی در داستان واقع گرا	90
۱-۴. حقیقت مانندی در داستان خیال و وهم (فانتزی)	91
گفتار دوم: پیرنگ یا الگوی حادثه	93
۲-۱. ارتباط پیرنگ و شخصیت	94
۲-۲. انواع کشمکش در پیرنگ	95
۲-۳. تعلیق یا حول و ولا در پیرنگ	95
۲-۴. انواع پیرنگ در داستان	96

<b>گفتار سوم: شخصیت و شخصیت‌پردازی</b>	۹۷
۱-۳. عوامل مهم در خلق شخصیت واقعی	۹۸
۲-۳. شیوه‌های شخصیت‌پردازی	۹۹
۳-۳. شخصیت ایستا	۱۰۰
۴-۳. شخصیت پویا (متحول)	۱۰۱
۵-۳. انواع شخصیت	۱۰۲
<b>گفتار چهارم: فضا، گفت‌وگو و صحنه‌پردازی</b>	۱۰۷
۱-۴. فضا و رنگ در داستان	۱۰۷
۲-۴. گفت‌وگو در داستان	۱۰۸
۳-۴. سیاق گفت‌وگو	۱۰۹
۴-۴. صحنه و صحنه‌پردازی در داستان	۱۱۰
۵-۴. اجزای صحنه و شیوه‌های صحنه‌پردازی	۱۱۱
<b>گفتار پنجم: نماد و انواع داستان‌های نمادین</b>	۱۱۵
۱-۵. نماد	۱۱۵
۲-۵. انواع نماد	۱۱۶
۳-۵. انواع داستان‌های نمادین	۱۱۶
۴-۵. راههای تشخیص داستان‌های نمادین	۱۱۷
<b>گفتار ششم: زاویه‌ی دید و انواع آن در داستان</b>	۱۲۱
۱-۶. زاویه‌ی دید	۱۲۱
۲-۶. انواع زاویه‌ی دید	۱۲۱
۳-۶. فرق حدیث نفس با تک‌گویی درونی	۱۲۳

## فصل چهارم: تحلیل و بررسی رمان‌ها

۱۲۷	تمهید: در چیستی رمان.....
۱۲۷	تعاریف رمان.....
۱۳۳	<b>گفتار اول: رمان سوووشون.....</b>
۱۳۴	۱. چکیده‌ی سوووشون.....
۱۳۵	۲. تحلیل چند سویه‌ی سوووشون.....
۱۳۶	۳. شخصیت‌پردازی و صحنه‌پردازی در سوووشون.....
۱۳۹	۴. مضامون و درونمایه‌ی سوووشون.....
۱۴۰	۵. زاویه‌ی دید در سوووشون.....
۱۴۱	۶. الهام از شخصیت‌های واقعی در خلق قهرمانان سوووشون.....
۱۴۵	۷. تحلیلی کوتاه از فصل‌های سوووشون.....
۱۴۹	۸. معماری سوووشون.....
۱۵۴	۹. ویژگی رمزی و نمادین سوووشون.....
۱۵۶	۱۰. سوووشون از نگاه سیمین دانشور.....
۱۵۷	۱۱. سوووشون چه نوع رمانی است؟.....
۱۵۸	۱۲. زبان و شیوه‌ی نگارش سوووشون.....
۱۵۹	۱۳. تلاش دانشور برای رسیدن به نظر مطلوب.....
۱۶۰	۱۴. سبک سوووشون.....
۱۶۲	۱۵. ارزش سوووشون به عنوان اثری ماندگار.....
۱۶۵	۱۶. ترجمه‌های سوووشون به زبان‌های دیگر.....
۱۶۷	<b>گفتار دوم: رمان جزیره‌ی سرگردانی و ساربان سرگردان.....</b>
۱۶۷	۱. چکیده‌ی جزیره‌ی سرگردانی.....
۱۶۸	۲. تحلیل چند سویه‌ی جزیره‌ی سرگردانی.....

۲-۳. لایه‌ها و ساخت کلی جزیره‌ی سرگردانی.....	۱۶۹
۲-۴. مضمون و درونمایه‌ی جزیره‌ی سرگردانی.....	۱۷۰
۲-۵. به کارگیری نماد و لوازم آن.....	۱۷۴
۲-۶. استفاده از نام‌های نمادین.....	۱۷۶
۲-۷. تعبیر دانشور از عشق در رمان.....	۱۷۸
۲-۸. توصیفات موفق.....	۱۷۹
۲-۹. آشنایی با شخصیت‌های رمان.....	۱۸۱
۲-۱۰. جزیره‌ی سرگردانی، رمانی بومی و ملی.....	۱۸۵
<b>گفتار سوم: رمان ساربان سرگردان.....</b>	<b>۱۸۷</b>
۳-۱. چکیده‌ی ساربان سرگردان.....	۱۸۷
۳-۲. ساربان سرگردان، رمانی خود زندگینامه‌ای.....	۱۸۸
۳-۳. تحلیل چند سویه‌ی ساربان سرگردان.....	۱۹۰
۳-۴. سرگردانی‌های شخصی هستی.....	۱۹۱
۳-۵. سرگردانی اصلی‌ترین درونمایه‌ی رمان.....	۱۹۴
۳-۶. سرگردانی سیاسی.....	۱۹۴
۳-۷. راوی و نظرگاه ساربان سرگردان در مقایسه با سایر آثار.....	۱۹۸
۳-۸. حضور طوطک در ساربان سرگردان.....	۲۰۰
۳-۹. حضور «سیمین دانشور» در ساربان سرگردان.....	۲۰۳
۳-۱۰. مقایسه‌ی رمان سووشون، جزیره‌ی سرگردانی و ساربان سرگردان.....	۲۰۵

### فصل پنجم: تحلیل و بررسی داستان‌های کوتاه

تمهید: در چیستی داستان کوتاه.....	۲۱۵
۱. تعاریف داستان کوتاه.....	۲۱۵
۲. مقایسه‌ی داستان کوتاه و رمان.....	۲۱۷

۲۲۳.....	<b>گفتار اول: مجموعه داستان آتش خاموش</b>
۲۲۵.....	۱. خلاصه‌ی داستان‌های مجموعه‌ی آتش خاموش
۲۳۳.....	۲. مضمون و درونمایه‌ی داستان‌های آتش خاموش
۲۳۴.....	۳. تحلیل کلام کور به عنوان موفق‌ترین داستان مجموعه
۲۳۷.....	<b>گفتار دوم: مجموعه داستان شهری چون بهشت</b>
۲۳۷.....	۱. مضمون و درونمایه‌ی داستان‌های شهری چون بهشت
۲۳۹.....	۲. تحلیل شهری چون بهشت به عنوان نخستین داستان موفق مجموعه
۲۴۳.....	۳. تحلیل صورت‌خانه به عنوان دومین داستان موفق مجموعه
۲۴۷.....	۴. تحلیل عید ایرانی‌ها و مقایسه با جشن فرخنده‌ی آل احمد
۲۵۳.....	<b>گفتار سوم: مجموعه داستان به کی سلام کنم؟</b>
۲۵۴.....	۱. مضمون و درونمایه‌ی داستان‌های به کی سلام کنم؟
۲۵۶.....	۲. تحلیل به کی سلام کنم؟ به عنوان موفق‌ترین داستان مجموعه
۲۵۸.....	۳. علاقه‌ی سیمین دانشور به نوشتمن داستان کودکان
۲۶۱.....	<b>گفتار چهارم: مجموعه داستان از پرنده‌های مهاجر بپرس</b>
۲۶۱.....	۱. مضمون و درونمایه‌ی داستان‌های از پرنده‌های مهاجر بپرس
۲۶۴.....	۲. تحلیل از خاک به خاکستر به عنوان موفق‌ترین داستان مجموعه
۲۶۷.....	۳. درونمایه‌ی مشترک داستان‌های کوتاه سیمین دانشور
۲۷۳.....	<b>گفتار اول: آشنایی با مدرنیسم و پست‌مدرنیسم</b>
۲۷۳.....	۱. مدرنیسم یا نوگرایی

## فصل ششم: انگاره‌های نوین در آثار سیمین دانشور

۱-۲. پست مدرنیسم ..... ۲۷۵
۱-۳. جلوه‌های پسامدرنیسم در ادبیات ..... ۲۷۶
<b>گفتار دوم: آشنایی با رمان‌های پست مدرنیستی ..... ۲۷۹</b>
۲-۱. در چیستی رمان پست مدرنیستی ..... ۲۷۹
۲-۲. ویژگی‌های رمان پست مدرنیستی ..... ۲۸۰
<b>گفتار سوم: جلوه‌های نو در رمان‌های سیمین دانشور ..... ۲۸۷</b>
۳-۱. ویژگی‌های مدرنیستی و پست مدرنیستی جزیره‌ی سرگردانی ..... ۲۸۷
۳-۲. ویژگی‌های مدرنیستی و پست مدرنیستی ساربان سرگردان ..... ۲۹۴
۳-۳. ساربان سرگردان، رمانی متعلق به زمانه‌ی ما ..... ۲۹۶
۳-۴. رسوخ اندیشه‌های نوین در جزیره‌ی سرگردانی و ساربان سرگردان ..... ۳۰۵
۳-۵. نگرش پست مدرنیستی دینی و مذهبی بانو دانشور ..... ۳۰۸

## فصل هفتم: دیدگاه فمینیستی سیمین دانشور در آثارش

<b>گفتار اول: آشنایی با فمینیسم و گونه‌های آن ..... ۳۲۱</b>
۱-۱. در چیستی فمینیسم ..... ۳۲۱
۱-۲. گونه‌های فمینیسم ..... ۳۲۴
۱-۳. وجهه اشتراک گونه‌های فمینیسم در مبانی عام و فلسفی ..... ۳۲۸
۱-۴. دوره‌های فمینیسم ..... ۳۲۹
<b>گفتار دوم: آشنایی با نقد فمینیستی و نمودهای آن در ایران ..... ۳۳۱</b>
۲-۱. در چیستی نقد فمینیستی ..... ۳۳۱
۲-۲. ویژگی‌های فمینیسم ادبی در ایران ..... ۳۳۲

گفتار سوم: زن در ادبیات معاصر ایران.....	۳۳۷
۳-۱. ادبیات زنانه در ایران.....	۳۳۷
۳-۲. حضور زنان داستاننویس در ادبیات معاصر.....	۳۳۸
۳-۳. چهره‌ی زن در آثار مردان نویسنده‌ی ایران.....	۳۴۱
گفتار چهارم: سیمین دانشور مبدأ تفکر فمینیستی در ایران.....	۳۴۷
۴-۱. تصویر زن در داستان‌های سیمین دانشور.....	۳۴۷
۴-۲. ویژگی‌های زن‌مدارانه در داستان‌های سیمین دانشور .....	۳۴۸
سخن پایانی ..... فهرست منابع .....	۳۸۹
	۳۹۳



## سخن آغازین:

حر باد می کتم حیث آرزومندی ختاب آمد که واقع شوبه اطاف خداوندی  
دعای صح و آه شب کلید گنج مقصود است بدین راه و روش می روک با ولدار پیوندی

سیمین دانشور، نامی است که نه تنها در ایران، بلکه در بسیاری از کشورهای غربی شناخته شده است. او سال‌ها تجربه‌ی نویسنده‌گی را پشت سر گذاشته و آثار گرانقدرتی در حوزه‌ی ادبیات داستانی خلق کرده و مراحل پیشرفت و پختگی را از مجموعه داستان آتش خاموش، شهری چون بهشت، رمان سووتشون، مجموعه داستان به کسی سلام کنم، از پرنده‌های مهاجر پرس و رمان‌های جزیره‌ی سرگردان و ساریان سرگردان، پله‌پله طی کرده و نامش تا دنیا باقی است، بر تارک رفیع و پرافتخار ادبیات داستانی ایران خواهد درخشید.

سیمین دانشور سال‌های مديدة است که در رگ و پی ذهن همه‌ی مخاطبان خود حضور داشته و اینک به بانوی داستان‌نویسی ایران ملقب شده است. او که در آثارش لحظات ناب را مومیایی و ثبت کرده و سمبول و الگویی برای تمامی زنان آزاده و هنرمند این سرزمین است. انگیزه‌ی اصلی نگارش کتاب حاضر این بود که او نیز زنی است از جنس من با همه‌ی عواطف و ذہنیات زنانه که در آثارش موج می‌زند و به فضای

داستان‌هایش رنگ و بویی دیگر می‌بخشد، تا حدی که گاهی احساس می‌کردم قهرمانان زن او از زبان من سخن می‌گویند و حرف‌های ناگفته‌ام را بر زبان می‌رانند.

او کسی است که از نوجوانی با خواندن رمان مشهور سوووشون با او آشنا شدم و از همان زمان به دلیل توصیف‌های جاندار در این اثر تصویری دو بعدی از شهر شیراز در ذهنم نقش بست؛ از یک طرف شهر گلها و گیاهان و عرقیات معطر و از طرف دیگر شهر مرگ و فقر و قحطی و بدبختی مردم در سال‌های دور؛ زیرا چنانکه خود می‌گوید، تاریخ‌نویس دل آدمی است در روزگاری خاص. حتی به یاد دارم که پس از کشته شدن یوسف من نیز با زری همنوا شدم و گریستم.

البته این خود، نشان از قدرت بانو دانشور در تصویرسازی صحنه‌های داستانی دارد. اما هرگاه که با خواندن داستان‌هایش اشکی ریخته می‌شد و بغضی می‌شکست یا لبخندی بر لبانم نقش می‌بست، به خود می‌باليدم که کسی از جنس من این چنین زیبا تصویرسازی می‌کند که خواننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

اما آنچه مرا بیش از پیش مجذوب او و آثارش می‌کرد، این بود که در کلامش مهربانی و امید موج می‌زد و همواره مرا به تلاش و مبارزه فرا می‌خواند. من علاوه بر آنچه در حیطه‌ی ادبیات و داستان‌نویسی از او آموختم، در زمینه‌های مختلف زندگی نیز از شخصیت محکم و نستوه او که در آثارش نیز جلوه‌گر است، درس‌ها گرفتم؛ از جمله درس مهربان بودن و مهربانی کردن، امید به آینده، پرهیز از ترس، اعتماد به نفس، نیکو زیستن، یاری رساندن به نیازمندان و مهمتر از همه درس عشق و وفاداری. او هم‌چنین به من آموخت که از مرگ نهارسم؛ «زیرا مرگ یک نوع عوض کردن پوشش است یا از گوشی باغی به گوشی دیگر رفتن.» به راستی او وارث شهرزاد قصه‌گوست که خوانندگانش را این چنین مجذوب خود می‌سازد.

کتابی که پیش‌روی شماست، تحلیلی است چند جانبه درباره‌ی آثار بانو دانشور به منظور شناخت و معرفی هر چه بیشتر او به عنوان نخستین بانوی داستان‌نویس ایران که در هفت فصل تنظیم گردیده است؛ ابتدا با ذکر زندگی‌نامه‌ی سیمین دانشور از کودکی تا به امروز و کارنامه‌ی قلمی‌اش، به بررسی جایگاه ادبی او در ادبیات معاصر ایران و درخشش وی در دوره‌ی چهارم داستان‌نویسی، پس از خلق رمان «سوووشون» و شرح و کاربرد عناصر داستانی از جمله شخصیت‌پردازی، پیرنگ، زاویه‌ی دید، توصیف صحنه،

فضای داستان و... در آثارش پرداخته‌ام که با شواهد کافی از متن داستان‌ها بیان شده است.

در مرحله‌ی بعد هر سه رمان‌ها و چهار مجموعه داستان کوتاه او مورد مطالعه و تحلیل چند سویه قرار گرفت و پس از آن موفق‌ترین داستان‌های کوتاه او در هر مجموعه داستان که از نظر اسلوب نویسنده‌گی بر سایر داستان‌ها برتری داشت، در بخشی مجزا معرفی و تحلیل گردید.

در فصل ششم رمان‌های او از لحاظ کاربرد جدیدترین تکنیک‌های متداول داستان‌نویسی در غرب و تطبیق آن‌ها با مکاتب مدرنیسم و پست‌مدرنیسم بررسی شد که شواهد مستندی از متن آثار در این زمینه ارائه شده است. فصل پایانی نیز به بررسی داستان‌های کوتاه و رمان‌های او از دیدگاهی فمینیستی اختصاص یافته که طرز تفکر او را در مورد زن و جایگاه او در زندگی فردی و اجتماعی در ایران نشان می‌دهد.

در سیر نگارش این اثر که دو سال و اندی به طول انجامید، جز یکی دو اثر که نگاهی گذرا به برخی از آثار بانو دانشور افکنده‌اند، منبع دیگری در دست نیست و همین امر بیش از پیش مرا به تحلیل و بررسی آثار وی ترغیب نمود تا بتوانم بدین وسیله دینم را به او که بی‌شک گوهر یکدانه‌ی زنان داستان‌نویس ایران است، ادا کنم.

اما جا دارد از کتاب «جدال نقش با نقاش در آثار سیمین دانشور» نوشته‌ی هوشنگ گلشیری که مرا در رفع ابهامات ذهنی ام یاری نمود، نام برم که به جز دو رمان جزیره‌ی سرگردانی و ساربان سرگردان و مجموعه داستان از پرنده‌های مهاجر بپرس به سایر آثار بانو دانشور نگاهی گذرا افکنده است.

شایان ذکر است، چون هر کار پژوهشی نوینی نقایصی نیز خواهد داشت، اثر من نیز مبرا از اشکال نیست. لذا از تمامی خوانندگان فرهیخته و ادب دوست خواهشمندم با ارسال نظرات و انتقادات خود به آدرس S.Panahifard@Gmail.com مرا در ارتقای کیفی این کتاب در چاپ‌های بعدی یاری رسانند.



## مقدمه:

در نظر بازی مابی خبران حیراند  
من چنین که نمودم دکر ایشان داند  
  
عقلان نقطه‌ی پرگار و جوده‌ی دلی  
عشق داند که در این دایره سرگرداند

آنچه از این اثر بر می‌آید، این است که سیمین دانشور که در سال (۱۳۲۷) با نوشتن مجموعه داستان آتش خاموش نخستین زن قصه‌نویس ایران شده بود، با خلق رمان سروشون در سال (۱۳۴۸) جایگاه خود را به عنوان «نخستین بانوی رمان‌نویس ایران» نیز تثبیت کرد. پس از درخشش او در دهه‌ی چهل بود که زنان نویسنده نیز جرأت یافتند به میدان بیایند و آثار خود را ارائه کنند، اما او به واسطه‌ی استفاده از شیوه‌های نوین داستان نویسی و احاطه بر علوم مربوط زمانی خود همچنان به عنوان پیشکسوت و پرچمدار زنان داستان‌نویس ایرانی جایگاه خویش را حفظ کرده است.

او در دوره‌ای نوشتن را آغاز کرد که زن ایرانی با وجود تلاش‌هایی کوچک باز هم در حصار غیرت مرد و خصلت نرینه‌خوی فرهنگ ما قرار داشت. این زن با توجه به تاریخ مذکوری که بر او تحمل شده بود، نه تنها اجازه‌ی اجتماعی بودن نداشت، بلکه به عنوان یک انسان موجودی درجه دو محسوب می‌شد.

«سیمین دانشور» از نخستین زنانی بود که با اخذ مدارک عالی در این دوره درخشید و همچنان که فروغ فرخزاد در عرصه‌ی شاعری شعری را بیان نهاد که گذشته از تمام

ویژگی‌های فرمی و ساختاری «شعر زن بودن» است و در مقابل تمام زمان خود ایستاد و به سراغ پنهان‌ترین زوایای زندگی زن ایرانی سرک کشید و عواقب سخت آن را نیز پذیرفت، او نیز در حوزه‌ی داستان‌نویسی این نقش خطیر را بر عهده گرفت و به سراغ صدای‌هایی رفت که تاکنون فریاد نشده بود. او با خلق رمان سووشون به رخدادی بزرگ در ادبیات ایران بدل شد.

از ویژگی‌های روایی سووشون که بگذریم، این اثر غمنامه‌ای حماسی در باب تاریخ است که بر شانه‌های زن سرزمین ما سنگینی می‌کند. سیمین دانشور معتبرض نیست و به هیچ بنیان و باوری حمله نمی‌کند. او نه طرفدار چپ است و نه حامی راست و نه مدافع هیچ حزب یا گروهی، بلکه تنها به روایت هر آنچه که گذشت و می‌گذرد، مشغول است؛ زیرا همواره می‌خواهد شاهد زمانی خود باشد. او با درک عمیقی که از زمان خود دارد، رنجلنامه‌ی زن را در شکوهی حماسی روایت می‌کند.

او با خلق رمان سووشون قلب تاریخ را هدف گرفته است. از زنی می‌نویسد که حضور او مساوی با حضور تاریخ و زمان است. سووشون به زن ایرانی غرور می‌بخشد؛ حتی مخالفان آثار بانو دانشور نیز بر زیرکی و عمق نگاه او در این رمان صحه می‌گذارند، اما او در جزیره‌ی سرگردانی حکایت دیگری دارد و بعد از اثبات موقعیت زری در سووشون حالا تولد مفهوم جدیدی از زن را به تصویر می‌کشد. او در جزیره‌ی سرگردانی رئالیسم اجتماعی - سیاسی سال‌های ملت‌هب پس از دهه‌ی چهل را پیش رو دارد.

زن جزیره‌ی سرگردانی همگام با تاریخ خود، حق اعتراض به فردگرایی و تعلق را بدست آورده است. اکنون سمفونی با شکوه سووشون به نوایی پرآشوب و خشمگین تبدیل شده است. بانو دانشور با درک لحظات حساس این سرزمین به تصویر جایگاه سنتی خود می‌پردازد. بی‌شک، او زنی سنتی است؛ زیرا در عمق وجود خود باورهایی دارد که حتی در بی‌بند و بارترین لحظات دارای اصالت است. این زن آشنا، روح مادروار خود را حتی در مبارزات سیاسی اش حفظ و برای نگاه داشتن قطعات مختلف خاطراتش آدم‌ها را درک و لمس می‌کند.

بنابراین این زن با چنین ویژگی‌هایی به یک صدا و آوای فردی تبدیل می‌شود. این صدا چیزی یا کسی را محکوم یا تأیید نمی‌کند، بلکه با توجه به موقعیت تاریخی خود،

راوی نسلی است که در جستجوی گم‌کردهی خویش است. جزیره‌ی سرگردانی دوره‌ی تشتت و گذار است. او تمام صدای‌های موجود در پس انقلاب را بازآفرینی کرده است و از میان آن‌ها هیچ یک را برنمی‌گزیند. تمام این هیاهو پایان می‌یابد و قهرمان او تنها در میان این خیابان باقی می‌ماند.

اکنون او مجموعه‌ای از صدای‌های است که در سینه‌اش مدفون شده‌اند. در سووشون بوی تاریخ به مشام می‌رسد، جزیره‌ی سرگردانی دایره‌ای از رئالیسم سیاسی و اجتماعی پرتش است، اما ساریان سرگردان تمام این تجربه‌ها را تبدیل به نوعی متافیزیک و عرفان شرقی می‌کند که هستی نمادین، راوی و در عین حال قهرمان و موضوع آن است. این معنویت نتیجه‌ی از سرگذراندن لحظات فراوانی است که قهرمانان آثار بانو دانشور آن را تجربه کرده‌اند؛ نوعی تردید به واقعیت و حقیقت که از عدم قطعیت صدای‌های این مردم شکل گرفته است و این تردید و عدم قطعیت او را به کشف دنیایی نو هدایت می‌کند.

زن آثار بانو دانشور به لایه‌های غیرمادی دنیا پناه می‌برد و در این فضا دیگر فریاد زدن و تظلم خواهی ارزشی ندارد. او با نوعی پختگی درونی به ابعاد مختلف عمل و حرکات داستانی می‌نگرد و شخصیت‌های داستانش در کنار او و با نگاه او شکل می‌گیرند. قهرمان داستان‌هایش همچون خود او نبض زندگی‌اند. در جاهایی که زری یا هستی هستند، صدا نیز وجود دارد و به طور کلی در آن لحظات زندگی جاری است، اما با خارج شدن آن‌ها از صحنه، صدایها، آدم‌ها و روح زندگی نیز از اثر محو می‌شود. بنابراین زنان داستان‌های بانو دانشور مترادف با زندگی خود و دیگرانند. گفت‌وگوهای درخشان و به یاد ماندنی «سیمین دانشور داستانی» در جزیره‌ی سرگردانی و ساریان سرگردان نیز باعث دل‌انگیزی داستان می‌شود؛ زیرا او در خلال این گفت‌وگوهای واقعیت را بیان می‌کند و این‌ها بازتاب درون چند لایه‌ی هر کدام از انسان‌هast. او از دنیا و برای دنیا می‌نویسد؛ به فمینیسم شرقی معتقد است و نوع غربی آن را رد می‌کند و معتقد است که بر عکس فمینیسم غرب که حق مردان را می‌گیرد و به زنان می‌دهد و در واقع مردان در آنجا مظلوم و زنان ظالم شده‌اند؛ در ایران باید آن قدر حقوق زن را بالا برد تا هم‌سطح مرد شود و دیگر هیچ کس مظلوم نباشد.

بانو دانشور با استفاده از تکنیک‌های جدید داستان‌نویسی غربی و پرداختن به مباحث روز دنیا به دو رمان جزیره‌ی سرگردانی و ساریان سرگردان رنگی جهانی داده است. او بار دیگر قدرت و چیره‌دستی خود را در خلق آثار ماندگار و منحصر به فرد با آمیختن مستند و واقعیت با تخیل به نمایش گذاشته؛ زیرا توانسته است رمان‌هایی پست مدرنیستی و نو بنویسد که در آینده‌ای نزدیک شاهد ترجمه‌ی آن‌ها به زبان‌های مختلف خواهیم بود.

احاطه‌ی بانو دانشور بر علوم مربوط زمانش آن قدر زیاد است که اطلاعات وسیعی درباره‌ی فلسفه، هنر و مسائل سیاسی و اجتماعی روز در اختیار خواننده می‌گذارد؛ به خصوص در دو رمان اخیر که او از وجود «هستی»، «سیمین دانشور داستانی» و «طوطک» استفاده نموده و اعتقادات خود را از زبان آن‌ها بیان کرده است. همان‌گونه که پیام سروشون امید به آینده و آزادی بشر است، شاید پیام این دو جلد رمان نیز آشتی تمام ملل جهان با هم و حاکمیت صلح باشد. آن جا که می‌گوید:

محبت مخرج مشترک و عامل تمامیت میان همه‌ی آدم‌هast. اسم شب محبت ورزیدن است. پیام من همین است که نفس مطمئنه‌ی تو را به خوبی، پاکی و کار که اساس طرح کیهانی است، رهنمون شوم. زندگی سرودی است با محبت بخوانش؛ زندگی یک بازی است با سرور بازی‌اش کن، اما آگاه باش که اصل زندگی سفر در گردونه‌ای است که به سوی مرگ می‌راند، مرگ نهایت نیست و جان است که ماندگار است.

در پایان با آرزوی سر بلندی و تندرستی برای این گوهر بالارزش ادبیات معاصر ایران منتظر درخشش مجدد او در سومین جلد رمان‌های سه‌گانه (تریلوژی) او خواهیم ماند. امید است که دفتر زندگانی‌اش سالیان دراز گشوده باشد و از این رهگذر دفتر ادب معاصر ایران نیز پربارتر و شکوفاتر گردد.

## سیمین پناهی فرد

# فصل اول

میمین دانشور از گذشته تا امروز



# گهناوار

## جلوه‌هایی از زندگی سیمین دانشور

دکتر سیمین دانشور در سال (۱۳۰۰) خورشیدی در شیراز شهر شعر و شاعران بزرگ به دنیا آمد. دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه‌ی انگلیسی‌های مقیم شیراز، موسوم به مهرآیین گذرانید؛ پس ناگزیر از آغاز دوران تحصیل با زبان انگلیسی آشنا شد. پدرش دکتر محمد علی دانشور - احیاء السلطنه - و مادرش قمرالسلطنه حکمت از خانواده‌های اشرافی شیراز بودند. پدرش طب قدیم را آموخته و بعد هم برای تحصیل در همین رشته به فرانسه و آلمان رفته بود.

وی پزشکی مردمی و بسیار مهربان بود که به حال فقیران و درماندگان دل می‌سوزاند و برای شاگردان بی‌بضاعت بورس تحصیلی قائل شده بود. داروخانه‌ای به نام داروخانه خورشید داشت که از فقرا پولی نمی‌گرفت و داروهایشان را رایگان به آنها می‌داد، اما با این همه درآمد کافی داشت.

مادرش - قمرالسلطنه حکمت - از خانواده اشرف هنرمند، هنرپرور و نقاش شیراز و خانه‌اش میعادگاه نقاشان زمانه بود. او از پدر، مهربانی و توجه به پابرهنگان را آموخت و از مادر علاقه و شیفتگی زایدالوصف به هنر را. دوران کودکی‌اش در رفاه گذشت، چون خانواده مادری‌اش ارث فراوانی برایشان گذاشته بودند، املاکی در فسا که هنوز هم مقداری از آن میراث موجود است.

او هنوز هم هر چه را که در دوران کودکی و نوجوانی از پدر و مادرش آموخته بود، فراموش نکرده است و زندگی فردی، اجتماعی و هنری اش گواه صادق این مدعاست. دانشور زیاد مطالعه می‌کرد به ویژه کتاب‌های شعر و قصه؛ زیرا هم پدرش اهل مطالعه بود و هم مادرش؛ به همین دلیل از نعمت داشتن کتابخانه‌ای قابل ملاحظه برخوردار بود و مهم‌تر از این‌ها پدر و مادرش مشوق فرزندان خود در امر تحصیل بودند.

او دوران تحصیلات متوسطه را با موفقیتی کم نظری به پایان رساند و با معدل ۱۹/۲۵ صدم به کسب مقام شاگرد اویی سراسر کشور دست یافت. پدرش می‌خواست او و برادرش را برای ادامه‌ی تحصیل به فرنگ بفرستد، اما این کار در آن زمانه عملی نبود؛ پس ناگزیر آن‌ها را به تهران فرستاد.

فرستادن دختران جوان از شیراز به تهران و جدا کردنشان از خانه و خانواده در آن سال‌ها (۱۳۱۷ و ۱۳۱۶) کاری غیرعادی و با اهمیت بود که فقط از عهده‌ی آدمهای با فرهنگ و تحصیل کرده‌ای چون دکتر محمدعلی دانشور و قمرالسلطنه حکمت بر می‌آمد. سیمین نخست می‌خواست زبان و ادبیات انگلیسی بخواند، اما دیری نگذشت که از ادامه‌ی تحصیل در این رشته منصرف شد؛ زیرا اولاً نسبت به سن و سال و شرایط خانوادگی و تحصیلی اش حتی بیش از حد لازم با ادبیات انگلیسی آشنا بود و ثانیاً بیشتر و بهتر از همکلاسی‌هایش زبان می‌دانست، پس رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی را برگزید. (از یک شیرازی اصیل و فرزند راستین سعدی و حافظ انتظاری جز این نیز نمی‌رفت).

سال‌های نخستین دانشکده را می‌گذراند که پدرش در سال ۱۳۲۰ چشم از جهان فرو بست و برای آن که خللی در ادامه‌ی تحصیلش رخ ندهد، مرگ پدر را تا پایان امتحانات به او خبر ندادند و او برحسب تصادف این خبر را در روزنامه خواند؛ آن هم در آغاز راه پر فراز و نشیب زندگی.

همهی واحدهای درسی را با هوش و استعداد سرشار خود به راحتی می‌گذرانید؛ به استثنای واحدهای زبان و ادبیات عربی تلاش فراوان و استفاده از آموزگاران خصوصی عربی تا پایان تحصیلات دانشگاهی در داخل کشور ادامه داشت؛ به ویژه در دوره‌ی دکترا که باید واحدهای بسیار مشکلی چون کتاب‌های المغنى و المطول را می‌گذرانید.

## ۱-۱. فعالیت‌های شغلی و هنری

مرگ ناگهانی پدر بر دوران رفاه و تنعم او نقطه‌ی پایان گذاشت. پس برای یافتن کاری مناسب به دکتر «عیسی صدیق اعلم» که رئیس تبلیغات وقت بود، مراجعته کرد. او قبل از آن که رئیس دانشسرای عالی کشور شود؛ در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران مشغول بود و سیمین را به خوبی می‌شناخت. بنابراین وقتی حدیث درد و گرفتاری اش را شنید؛ بلاfacسله او را استخدام کرد. سیمین مدتی معاون اداره‌ی تبلیغات خارجی بود. زمان جنگ جهانی دوم بود. جنگی که ما در بر افروختن شعله‌های آن و تداوم خانمان‌سوزش هیچ‌گونه نقشی نداشتیم؛ به همین دلیل تهران میزبان عده‌ی زیادی خبرنگار خارجی بود و سیمین به علت موقعیت شغلی اش با اکثر میهمانان خبرنگار در تماس بود. «گاهی برای رادیو تهران مقاله می‌نوشت و بابت هر مقاله هفده تومان می‌گرفت که در آن روزگار حق التألف قابل توجهی بود. بعد توسط «دکتر لطفعلی صورتگر» شاعر و استاد ادبیات انگلیسی دانشگاه که همشهری اش بود، با مستولان روزنامه‌ی ایران آشنا شد و نخستین مقالات جدی اش را در این روزنامه منتشر کرد.<sup>۱</sup>

دانشور در بازگشت از آمریکا به ایران در سال ۱۳۲۲ در هنرستان هنرهای زیبای پسران و دختران به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۳۸ با سمت دانشیاری کلnel علینقی وزیری در رشته‌ی باستان‌شناسی و تاریخ هنر به استخدام دانشگاه تهران در آمد. قبل از سال ۱۳۵۷ نیز مقالات پراکنده‌ای در روزنامه‌های «کیهان» و «آیندگان» نوشت. در سال ۱۳۵۸ از دانشگاه تهران تقاضای بازنیستگی کرد و تا به امروز، دوران بازنیستگی اش را می‌گذراند. وی هم اکنون، ساکن تهران است و متظر چاپ چهارمین رمان خویش است. سیمین در سال‌های همکاری با روزنامه‌ی ایران طی مقاله‌ای داستان‌های «حسینقلی مستعان» را که بزرگ‌ترین پاورقی نویس ایران بود و هیچ کدام از پاورقی نویسان این کشور؛ از قبیل «ارونقی کرمانی»، «منوچهر مطیعی»، «امیر عشیری» و «جواد فاضل» نتوانسته بودند در عرصه‌ی پاورقی نویسی چه از جهت کمیت و چه از جهت کیفیت به گرد پای او برستند، مورد نقد و بررسی قرار داد که مورد توجه علاقمندان و اهل نظر قرار گرفت. پس از آن، در مجله‌ی «امید» به سردبیری «نصرالله فلسفی» انتقادی تند و

تیز درباره‌ی داستان «فتنه»‌ی علی دشتی نوشت. روشنفکران از این حمله‌ی شجاعانه استقبال کردند و همان‌گونه که خود دانشور گفته است:

«از دشتی انتقاد کردن در آن روزگاران دل و جرأت می‌خواست»؛ زیرا علی دشتی فقط یک نویسنده‌ی ساده و معمولی نبود، بلکه یکی از افراد سرشناس و دارای نفوذ و اقتداری کم‌نظیر در دستگاه حکومتی بود و با اشاره‌ای می‌توانست این دختر جوان و نویسنده‌ی گمنام را به جایی بفرستد که نه آب باشد نه آبادی، اما او دانشور را لایق هماورده نمی‌دانست و باور نمی‌کرد که او روزگاری نخستین بانوی قصه نویسی ایران شود.

## ۱-۲. کسب عنوان نخستین زن نویسنده‌ی ایرانی

سیمین دانشور در سال ۱۳۲۷ نخستین مجموعه داستان خود را با نام آتش خاموش به تشویق مرتضی کیوان<sup>۱</sup> منتشر کرد. قصه‌های این مجموعه قبلاً در روزنامه‌های «کیهان» و مجلات «بانو» و «امید» چاپ شده بود. وی نوشتن قصه‌های این مجموعه را از سن بیست سالگی آغاز کرده بود و به خوبی می‌دانست که کارش در مقایسه با کارهای «صادق هدایت» ناپاخته و در مقایسه با قصه‌های نویسنده‌گان معاصرش همچون «صادق چوبک» و «جلال آل احمد» خام است، اما می‌خواست نخستین زن ایرانی باشد که قصه نوشته است و مجموعه قصه‌ی خود را علی رغم خامی و کم تجربگی، منتشر کرد.

بانو دانشور در این زمینه می‌گوید: «یکی از کسانی که به خانه‌ی ما می‌آمد، مرتضی کیوان بود که تشویق کرد قصه‌های پراکنده‌ام را در یک مجموعه در بیاورم و خودش ترتیب چاپش را داد، اما خودم می‌دانستم که آتش خاموش مجموعه‌ای خام و ناپاخته است و بایستی رویش کار می‌شد و از نو نوشته می‌شد و تنها برای اولین قدم خوب بود. کارهای هدایت را می‌خواندم و می‌دیدم که در مقابل آن، کار من در حد صفر است. در همان وقت‌ها چوبک و آل احمد هم می‌نوشتند.

با خواندن آثار آن‌ها به خامی کار خودم در برابر معاصرانم واقف شدم. غرور جوانی داشتم، به خودم می‌گفتم هر نویسنده که اول شروع کرد، نباید شاهکار به وجود بیاورد، قدم به قدم. من حالا می‌توانم آتش خاموش را بردارم و از آن یک آثر خوب در بیاورم،

۱. مرتضی کیوان رئیس دفتر وزارت راه بود. به علت ارتباط با سازمان افسران حزب توده در سال ۱۳۳۳ دستگیر شد و در زمستان همان سال با اولین گروه افسران اعدام گردید.

اما این کار را نمی‌کنم؛ چرا که این کار جزء پرونده‌ی ادبی من است. با خودم می‌گفتم؛ اولین کار که نباید بهترین کار باشد. وقتی که آن را می‌نوشتم، بیست سال داشتم. خوب این کار یک دختر بیست ساله است. تا آن وقت، هیچ زنی داستان کوتاه ننوشته بود و شاید نوشه بود و من خبر نداشم. با خودم می‌گفتم؛ بگذار اولی باشم. چرا می‌بایست صبر می‌کردم و آخری می‌شدم.<sup>۱</sup>

انتشار مجموعه داستان آتش خاموش به علت آن که خالقش زن بود؛ انعکاسی وسیع و خوشایند در مطبوعات و محافل روشنفکری آن روزگار داشت و صحی «قصه گوی ماهر رادیو» در یکی از برنامه‌های قصه گویی خود که هر جمیع پخش می‌شد، انتشار آن را بشارت داد. اما حسین منتظم انتقاد کوبنده‌ای درباره‌ی آن نوشت. دوستان به سیمین تذکر دادند که این چوبی است که از علی دشتی خورد.

صحی در رادیو گفت که کتابی از نویسنده‌ی جوانی در آمده که او اولین زنی است که قصه‌ی کوتاه نوشته است. بانو دانشور در این باره می‌گوید: «انتقاد دیگران اصلاً مرا ناراحت نکرد. به شما گفتم که آدم امیدواری هستم و به این سادگی‌ها امیدم را از دست نمی‌دهم. آن وقت‌ها، این امید با غرور جوانی هم آمیخته بود. بعد از آتش خاموش خیلی طول کشید تا اثر بعدی ام را نوشت و منتشر کردم، ولی انتقاد دیگران دلیلی بر نامیدی من نبود. در اوایل زندگی مشترک با جلال، به علت وضع نابسامان مالی مان مجبر به ترجمه شدم، اما اصولاً اهمیتی به انتقاد این و آن نمی‌دهم.

اگر حرفشان حساب بود، پند می‌گیرم و اگر غرض آلد، شانه بالا می‌اندازم؛ چرا که خودم از قدرت و ضعف‌هایم آگاهم و می‌دانم در کجای دنیا قرار گرفته‌ام. این انتقادها برای من اهمیت نداشت. مگر چند نفر آن انتقادها را می‌خواندند. تازه همان چند نفر هم بعد از چند روز فراموش می‌کردند، اما خود اثر می‌ماند. من این مسائل را خیلی جدی نمی‌گیرم، خانواده‌ام به من آموخت که در خودم تأمل کنم.<sup>۲</sup>

وی درباره‌ی دوران کودکی اش نیز مطالب جالبی می‌گوید که بیان آن‌ها خالی از لطف نیست. این که در مدرسه‌ی انگلیسی‌ها اخلاق انجیل می‌خوانده و تمام انجیل را

۱. مجله هنر و ادبیات امروز، گفت و شنودی با سیمین دانشور و پرویز نائل خانلری، شماره‌ی ۲، ص ۱۹.

۲. همان، ص ۲۰.

دوبار مرور کرده است. از کلاس هشتم متوسطه به بعد مطمئن بود که نویسنده خواهد شد. پدرش در آن روزگاران از او می‌پرسید که در نوشته‌هایش می‌خواهد از کدام طبقه دفاع کند، از طبقه‌ی خود یا طبقه‌ی محروم؟

در همان روزها می‌توانست این را بفهمد که در طبقه‌اش در یک جایی، چیزی می‌لنگد. رفاه خود و فقر بیشتر بیماران پدرش جلوی چشمش بود. در آن روزها احساس می‌کرد این تفاوت میان او و سایر مردم باید دلیل داشته باشد. در مدرسه هم می‌دانست فرهنگی که می‌آموزد، جایی در سرچشم دچار اشکال است و بعدها در کلاس‌های آخر دیبرستان بود که کم‌کم متوجه فرهنگ استعماری شد.

### ۳-۱. استیاق به نویسنده‌گی

بانو دانشور در پاسخ به این سؤال که چرا به نویسنده‌گی علاقه‌مند شده، چنین گفته است: «احتمالاً کتابخانه‌ی مفصل پدرم که بعداً فروختیمش و از پول آن جلال و من عروسی کردیم، بی ارتباط با این علاقه نبود. با فروتنی باید اذعان کنم که دختر سیاه سوخته‌ی باهوشی بودم. درس‌ها را غالباً همان سر کلاس یاد می‌گرفتم. هم چنین برای پدرم کتاب‌هایی از انگلیس می‌رسید، روزنامه‌های معتبر تهران را آبونه بود؛ مثل «شفق سرخ»، «المصور» و «المقتطف» که از مصر برایش می‌رسید.<sup>۱</sup> وقت آزاد، کتابخانه‌ی مجهر پدر و عشق دیوانوار او به خواندن شاید محرک اصلی‌اش در نویسنده‌گی بوده باشد. طبیعی است که در آن سنین هر کسی به طرف خواندن رمان و داستان کشیده می‌شود. به خصوص فردی با ذوق همچون سیمین دانشور!

دانشور در همان روزهای نوجوانی «جین ایر» و کارهای «مارک تواین» را می‌خواند. آنچه به انگلیسی بود، به انگلیسی می‌خواند و آنچه را نمی‌فهمید، با تخیل به هم می‌بافت یا از معلم‌های انگلیسی‌اش می‌پرسید. هر چه بیشتر می‌خواند، بیشتر برای نوشتن و سوشه می‌شد. در او همیشه نوعی ریزبینی، کنجکاوی و تصویرسازی وجود داشت، حالا هم وجود دارد. به استناد گفته‌هایش به راحتی می‌تواند از هر چیز کوچکی یک تصویر شاعرانه بسازد. به همین دلیل هیچ‌گاه در کارهایش روایت نمی‌کند، بلکه

همیشه تصویرسازی می‌کند. جدش - اعتمادالدوله حکمت - کتابخانه‌ی بسیار مجهزی داشت که شامل هفت صندوق بزرگ و فریب به سیصد یا چهارصد جلد کتاب خطی کمیاب بود که بعدها به کتابخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران اهدا گردید. در دوران کودکی، وقتی مادر بزرگش برای او «شمس قهقهه»، «بوسه‌ی عذر» و «کنت مونت کریستو» می‌خواند و آرزو می‌کرد که کاش روزی بتواند قصه بنویسد.

#### ۴-۱. تأثیر دوران کودکی

بانو دانشور درباره‌ی این‌که دوران کودکی چه تأثیری بر آثارش گذاشته است، می‌گوید: «بیشترین تأثیر را دوران بچگی در کارهای بعدی آدم‌ها می‌گذارد؛ چرا که خاطرات و خطرات کودکی پاک نشدنی هستند. خیلی چیزهایست که همین دیروز اتفاق افتاده، اما من شاید امروز آن‌ها را به یاد نداشته باشم، ولی آنچه را که در دوران بچگی ام رخ داده است، هنوز هم به وضوح به یاد می‌آورم. بیشتر قصه‌های من از دوران کودکی، نوجوانی و جوانی من هستند؛ یعنی از خاطرات آن دوران. مثلاً قصه‌ی اول شهری چون بهشت دده سیاهش، همان دده سیاه خودمان بود.

چون پدرم با اسب، سر مریض‌ها می‌رفت، اسب داشتیم و غلام مهترمان در سوووشون منعکس شده است یا دکتر عبدالله‌خان در سوووشون همان پدرم است که از او نوشتیم و او را از تصویر پدرم ساخته‌ام. بعضی از نویسنده‌گان به خاطرات کودکی‌شان می‌چسیند و از آن فراتر نمی‌روند، اما خدا کند من بتوانم برداشت و نظرم را از جهان پیرامونم در دوران پیری هم منعکس کنم.

با این حال، شناخت ذهنی هرکس ریشه در کودکی‌اش دارد. وقتی که نزد دکتر روانکاو می‌روی، فوراً از شما می‌خواهد از دوران کودکی‌تان بگویید.<sup>۱</sup> به گفته‌ی سیمین دانشور، هر معلم انسایی که سرکلاس می‌آمد، فوراً نظرش را جلب می‌کرد. پدرش نیز برایش یک معلم سرخانه‌ی فارسی گرفته بود. آقای فالی معلم بسیار خوبی بود و او را واداشت تمام داستان رستم و سهراب شاهنامه را حفظ کند؛ بعد به سراغ «شیخ صنعت» عطیار رفت. این در زمانی بود که سیمین کلاس چهارم یا پنجم ابتدایی بود و بسیاری از غزلیات حافظ را نیز از بر داشت.

مادرش نقاش بود و شاگرد آقای صدر شایسته که او هم از شاگردان بر جسته‌ی کمال الملک بود. او زن بسیار هنرمندی بود که در گلدوزی و پختن شیرینی همتا نداشت. مدتها مدیر هنرستان دخترانه‌ی هنرهای زیبای شیراز بود. زنی بود بسیار دقیق، ظرفی و شیفته و چنانکه می‌بینیم بسیاری از خصوصیات اخلاقی او به طور فطری در دخترش به ودیعه گذاشته شده است. مادرش برای خود آتلیه‌ای داشت. گاهی برای نقاشی به دشت و صحرا می‌رفت و به این ترتیب او از کودکی به دیدن کسی که نقاشی می‌کشد و تماسای تابلوی نقاشی عادت کرده است.

بانو دانشور بعد از درس و تفریح، وقت آزادش را رمان، قصه و هر نوع کتابی، منهای آن‌ها که پدرش قدغن کرده بود، می‌خواند؛ زیرا مدیر کتاب‌فروشی‌های شیراز هم از بیماران پدرش بود و هر کتاب تازه چاپ شده را برایش می‌فرستاد و در عشق او به خواندن همین بس که به گفته‌ی خودش یکی از شب‌های امتحان نهم متوسطه تا ساعت ۲ بعد از نیمه شب بیدار ماند تا ورتر «گوته»، ترجمه‌ی «نصرالله فلسفی» را بخواند.

او درباره‌ی خود چنین می‌گوید: «بیشتر زندگی تفریحی من در قصر الدشت (مسجد وردی)، باباکوهی، چاه مرتاض علی، تخت ضرابی، چهل تنان و هفت تنان گذشت. بنابراین، هنری نکرده‌ام که وجود و سرور در ذات من است و خوشبین هستم. وقتی همه ناامیدند، من امیدوارم و کمتر تن به اندوه می‌سپارم. هنری نکرده‌ام که آن قدر به طبیعت عشق می‌ورزم و راز شعری را که در طبیعت جاری است، به جان و دل کشف می‌کنم، اما حالاً که پیر سده‌ام، تک‌تک ذارم غصه را می‌آزمایم (خند: به پیری ام رحم نماید).

این را هم بگوییم که از روزگار سیلی‌های سخت خورده‌ام، اما پذیرفتدم که زندگی همین است. این طور نبوده که زندگی از بغل گوشم رد شده باشد. زندگی از رویه‌رو با من برخورد کرده و بارها و بارها به من سیلی‌های سخت زده است، اما سعی کرده‌ام هر وقت افتادم، خودم بلند شوم و از نو شروع کنم. بارها پاکباخته شده‌ام، اما از صفر شروع کرده‌ام، البته این نصیحت جلال به من بوده است.<sup>۱</sup>

بانو دانشور در سال ۱۳۴۰ دومین مجموعه قصه‌ی خود را با نام شهری چون بهشت منتشر کرد. با این که نخستین زن قصه نویس بود و تنها قصه نویس زن مطرح، با این حال هنوز در میان قصه‌نویسان طراز اول جایی نداشت. در سال ۱۳۴۸؛ یعنی سال در

گذشت معروف‌ترین و مطرح‌ترین نویسنده‌ی زمانه و شوهری که سیمین آن همه او را دوست داشت، رمان سووژون منتشر شد. سال ۱۳۴۸ تاکنون که چهل و دو سال از زندگی بانوی اول و توانای قصه نویسی معاصر می‌گذرد، سال پراهمیتی در زندگی اوست. سال شادی و اندوه، پیروزی و شکست و نوازش و سیلی.

در این سال، با انتشار رمان سووژون نامش برای همیشه در ردیف نام داستان نویسان بزرگ و طراز اول معاصر جای گرفت و به مقامی رسید که سال‌ها به خاطر تصاحب آن تلاش کرده بود و به حق، شایستگی آن را داشت. در سال ۱۳۵۹ مجموعه داستان به کی سلام کنم؟ را منتشر کرد که چند قصه‌ی آن، در شمار بهترین داستان‌های کوتاه معاصرند. در این مجموعه نیز اکثر قهرمانان داستان‌ها زنانی هستند که هر یک به نوعی در جامعه مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند.

در سال ۱۳۷۲ رمان جزیره‌ی سرگردانی و در سال ۱۳۷۶ مجموعه داستان از پرنده‌های مهاجر بپرس را منتشر کرد که بیشتر داستان‌هایش جنبه‌ی سیاسی دارد. در سال ۱۳۸۰ دومین جلد رمان فوق؛ یعنی ساریان سرگردان را به چاپ رسانید که هر دو جلد رمان‌ها، درباره‌ی وقایع پیش از انقلاب، زمان انقلاب و جنگ است. به گفته‌ی او، جلد سوم نیز در دست چاپ است.